



## متّم و انواع آن در دستور زبان فارسی:

(امتّم فعل)

این نوع متّم، همانند نهاد، مفعول، مسند و فعل، جزء اجزای اصلی جمله به حساب می‌آید و در صورت حذف آن، جمله، ناقص می‌شود. یعنی فعل جمله گذرا به متّم است. مثلاً جمله‌های: «دوستم می‌نازد. او پیوست. ایشان گرویدند.» از لحاظ معنایی ناقص هستند و نیاز به جزئی دارند که معنای جمله را کامل کند: دوستم به پدرش می‌نازد. او به دوستانش پیوست. ایشان به اسلام گرویدند.

واژه‌ای که معنای این جمله‌ها را کامل می‌کند، متّم نام دارد. در برخی دستورهای سنتی نیز، این نوع متّم را «مفعول با واسطه» یا «مفعول غیر صریح» نامیده‌اند. شمار فعل‌های متّم‌پذیر زیاد نیست. این نوع فعل‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی کلی زیر تقسیم کرد:

الف) فعل‌هایی که علاوه بر نهاد، به متّم نیز نیاز دارند (فعل‌های گذرا به متّم): (جمله‌ی سه جزئی با متّم)  
این فعل‌ها، حرف یا حروف اضافه‌ی مخصوص به خود دارند. (باید توجه داشت که کاربرد امروزی این فعل‌ها مورد نظر است نه شکل تاریخی آن‌ها.)

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی «از» به کار می‌روند:

توسیدن، رنجیدن، گریختن، هراسیدن، بازماندن، بازایستادن، سر درآوردن، یگه خوردن، دست کشیدن، دل کندن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی «با» به کار می‌روند:

جنگیدن، ستیزیدن، کنار آمدن، گرم گرفتن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی «بر» به کار می‌روند:

شوریدن، پا گذاشتن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی «به» به کار می‌روند:

گرویدن، رسیدن، پرداختن، اندیشیدن، نگرستن، خندیدن، برخوردارن، پی‌بردن، دست یافتن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی «در» به کار می‌روند:

گنجیدن، درماندن، قراردادن، قرار گرفتن و...

ب) فعل‌هایی که علاوه بر نهاد و مفعول، متّم هم می‌پذیرند. (جمله‌های چهار جزئی با مفعول و متّم)

این فعل‌ها نیز حرف یا حروف اضافه‌ی مخصوص به خود دارند:

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی اختصاصی «از» به کار می‌روند:

آموختن (در معنی یادگرفتن)، پرسیدن، ترساندن، رنجاندن، رهاندن، زدوون، گرفتن، پس گرفتن، فراگرفتن، بازداشتن،

نجات‌دادن، یادگرفتن و ...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی اختصاصی «با» به کار می‌روند:

آمیختن (در معنای مخلوط کردن)، سنجیدن، در میان نهادن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی اختصاصی «به» به کار می‌روند:

آغشتن، آلودن، آموختن (در معنی یاد دادن)، افزودن، سپردن، دادن، پس دادن، واداشتن، سوق دادن، یاد دادن، اعطا کردن،

متنقل کردن و...

• فعل‌هایی که با حرف اضافه‌ی اختصاصی «در» به کار می‌روند:

انداختن، چکاندن، گذاشتن، گنجاندن، نهادن، جای دادن، قراردادن و...

توضیح: نیاز یا عدم نیاز به متّم در برخی از فعل‌ها، روشن نیست و ابهام دارد و نظر زبان‌شناسان نیز، در این مورد، متفاوت است.

مانند: رفت. که برخی دستورنویسان معتقدند این فعل به متّم نیاز دارد زیرا معنی آن ناتمام است و اصولاً رفتن به جایی منتهی می‌شود.

(۲) متمم قیدی: (= اختیاری)

آن دسته از قیدهایی هستند که به شکل متمم ظاهر می‌شوند. حرف اضافه + گروه اسمی)

مثال: دوستم دیروز صبح با اتوبوس از تهران به بابل آمد.

متمم قیدی جزء اجزای اصلی جمله نیست و معمولاً در نمودار جمله نمایش داده نمی‌شود. متمم‌های قیدی را می‌توان مانند قیدها از لحاظ معنی به اقسامی تقسیم کرد مانند:

- مکان: من در خانه ماندم.

- زمان: گیاهان در بهار می‌رویند.

- کیفیت: هوشنگ در خوبی نظیر ندارد.

- حالت: فرهاد موضوع را با خشم به من گفت.

- علت: از ترس رنگش پرید.

- همراهی: با او به اصفهان رفتم.

...و

تفاوت متمم‌های قیدی با متمم‌های فعل:

(۱) متمم فعل با یک حرف اضافه به کار می‌رود ولی متمم قیدی با چند حرف اضافه:

دوستم از من رنجید. دوستم از منزل آمد. دوستم به کتاب خانه آمد. دوستم با برادرش آمد.

نکته: « موارد انگشت شماری پیدا می‌شود که در آن‌ها، فعل گذرا به متمم دارای دو یا چند حرف اضافه‌ی اختصاصی است؛ در

این موارد گاهی حرف‌های اضافه از نظر معنایی حدوداً هم‌ارز هستند. مانند:

ما با / علیه / بر / ضد دشمنان آزادی می‌جنگیم.

منافع این طرح بر / به زیان‌های آن می‌چربد.»

یا اینکه معنای فعل با هر حرف اضافه تغییر می‌کند: آموختن از: یاد گرفتن / آموختن به: یاد دادن

(۲) متمم اجباری در هر جمله، یکی است اما متمم قیدی در جمله قابل افزایش است.

در هر ساعت پنج کشتی از تنگه‌ی هرمز برای انتقال نفت می‌گذرد.

متمم قیدی                      متمم فعل                      متمم قیدی

(۳) متمم فعل را نمی‌توان از جمله حذف کرد زیرا فعل به آن نیاز دارد و مفهوم جمله ناقص می‌شود اما متمم قیدی را می‌توان

از جمله حذف کرد زیرا فعل جمله الزاماً به آن نیاز ندارد و مفهوم جمله نیز حفظ می‌شود.

دوستم به گروه ما پیوست. دوستم پیوست. با حذف متمم فعل مفهوم جمله ناقص می‌شود.

دوستم بر روی صندلی نشست. دوستم نشست. با حذف متمم قیدی نقصی در معنای جمله به وجود نمی‌آید.

(۳) متمم اسم:

برخی اسم‌ها برای کامل شدن معنای خود نیاز به اسم یا گروه اسمی دیگری دارند که به آن متمم اسم می‌گویند. این متمم‌ها

آن‌چنان با اسم همراه‌اند که گویی جزئی از آن هستند. یکی از مباحث دستوری کتاب زبان فارسی دبیرستان، متمم اسم

است. از آنجایی که در کتاب درسی در خصوص این نوع متمم توضیح کافی نیامده است، در این نوشتار به توضیح متمم اسم

و انواع آن پرداخته‌ایم.

نکته‌ی بسیار مهم: متمم اسم به همراه اسم خود (هسته) نقش یکپارچه و واحدی دارد و یک گروه اسمی محسوب می‌شود.

چه نوع اسم‌هایی نیاز به متمم دارند؟

همان‌گونه که برخی از فعل‌ها گذرا به متمم هستند و با داشتن حرف اضافه‌ی اختصاصی به متمم نیاز دارند، بعضی از اسم‌ها

نیز از چنین خصوصیتی برخوردارند. فعل مرکب "آشتی کردن" از جمله فعل‌هایی است که حرف اضافه‌ی اختصاصی

دارد: "آشتی کردن با" و بدون متمم، معنای فعل و در نتیجه مفهوم جمله ناقص می‌ماند. واژه‌ی "جدایی" هم از جمله اسم

هایی است که با داشتن حرف اضافه ی اختصاصی "از" به متمم نیاز دارد و بدون آن، معنای "جدایی" ناقص خواهد بود: جدایی از دوست دشوار بود. "از دوست" متمم است ولی نه متمم فعل؛ زیرا فعل اسنادی "بود" نیازی به متمم ندارد، بلکه متمم اسم "جدایی" است که در جمله ی بالا نقش "نهاد" دارد.

متمم اسم درباره ی اسم پیش از خود - و به ندرت پس از آن - توضیح می دهد و معنای آن را تمام می کند؛ یعنی اسمی که در جمله نقش نهادی، مفعولی، مسندی یا متممی دارد، بدون متمم خود ناقص می ماند و حرف اضافه هم جزء ذات آن اسم است: «انتقاد از نارسایی ها لازم است.» نارسایی ها متمم است ولی نه متمم فعل، بلکه متمم اسم "انتقاد" که در این جمله نقش نهادی دارد.

نمونه های دیگر:

کاسه ی پر از آب است. (آب متمم صفت که در جای اسم نشسته و نقش مسندی دارد)

مبارزه با استعمار تاریخ طولانی دارد. (متمم مبارزه در نقش نهاد)

او به جنگ با دشمن پرداخت. (دشمن متمم اسم جنگ است که در این جمله نقش متمم دارد ----- متمم اسم)

جدایی از او برای من دشوار بود. (او متمم اسم "جدایی" است که نقش نهادی دارد و "من" متمم "او" است که نقش متممی دارد ----- متمم متمم است.)

رییس جمهور مصاحبه با خبرنگاران را پذیرفت. (خبرنگاران متمم اسم "مصاحبه" است که نقش مفعولی دارد ----- متمم مفعول)

نکته ی : چون متمم اسم با اسم خود مجموعاً یک نقش دارد و در جایگاه یک نقش اصلی می نشیند. به همین دلیل، با وجود اجباری بودن متمم اسم و لزوم آن در جمله، مستقل به حساب نمی آید و از اجزای اصلی جمله شمرده نمی شود. جمله ی : «کاسه پر از آب است.» سه جزئی مسندی است و متمم "آب" با حرف اضافه جزئی از گروه اسمی "پر" به شمار می رود که نقش مسندی دارد. هم چنین: «انتقاد از نارسایی ها لازم است.» "انتقاد از نارسایی ها" نهاد جمله است و متمم "نارسایی ها" جایگاه مستقل ندارد.

تعداد اجزای جمله را فقط فعل تعیین می کند. گاه متمم اسم را می توان به وابسته پسین (صفت یا مضاف الیه) تبدیل نمود: رئیس جمهور در یک مصاحبه ی مطبوعاتی اعلام کرد....

مصاحبه ی مطبوعاتی = مصاحبه با مطبوعات.

انتقاد از نارسایی ها لازم است.

انتقاد نارسایی ها لازم است.

مضاف الیه

تعدادی از اسم های متمم خواه:

نزاع با ... / گفتگو با ... / صلح با ... / مناظره با ... /...جنگ با ... / مناقشه با ... / نبرد با ... / سازش با ... / رو بوسی با ... /...مقابله با ... / وداع با ... / دعوا با ... / مدارا با ... / مسابقه با ... / معامله با ... /...

مقایسه ی بین سه نوع متمم:

متمم فعل جزء اجزای اصلی جمله است در حالی که متمم اسم و متمم قیدی جزء اجزای اصلی جمله نیستند. متمم اسم با اینکه جزء اجزای اصلی جمله نیست، حذف آن به معنای جمله لطمه می زند (زیرا وابسته به یکی از اجزای اصلی جمله است). در حالی که حذف متمم قیدی تغییری در معنای جمله به وجود نمی آورد. وجه اشتراک متمم فعل و متمم اسم در این است که اولاً: هیچ کدام را نمی توان از جمله حذف کرد، ثانیاً: فعل و اسمی که متمم می پذیرد حرف اضافه ی مخصوص به خود دارد. برخی از اسم های متمم پذیر به همراه حرف اضافه ی مخصوص آن ها:

• اسم هایی که با حرف اضافه ی «از» به کار می روند:

بازدید، برخوردار، بهره، بهره مندی، بهره وری، استقبال، استفاده، الهام، تفرّ، دعوت، حمایت، منظور، سپاس گزاری، اندکی، عده ای، مقداری و...

• اسم هایی که با حرف اضافه ی «با» به کار می روند:

آشنایی، آشتی، ارتباط، تفاوت، مباحثه، مجادله، مذاکره، مشاعره، معامله، وداع، همراهی، همکاری، هماهنگی و...

• اسم‌هایی که با حرف اضافه‌ی «بر» به کار می‌روند:  
احاطه، اصرار، حکومت، تسلط، تکیه، ترجیح، رحم و...

• اسم‌هایی که با حرف اضافه‌ی «به» به کار می‌روند:  
احترام، اشتغال، اصابت، اقدام، بستگی، توجه، دعوت، تمایل، توسل، شباهت، عادت، عشق، وفاداری و...

• اسم‌هایی که با حرف اضافه‌ی «در» به کار می‌روند:  
اجتهاد، مهارت، سود، سهم، مداومت، دقت، بحث، سخت‌گیری و...

نکته: برخی اسم‌ها با دو حرف اضافه به کار می‌روند مانند:

سود (از، در) / دعوت (از، به) / قرض (از، به) / تقسیم (به، بر) / اطمینان (به، از) / دیدار (از، با) و...

و برخی با سه حرف اضافه:

ایراد گرفتن (بر، به، از)

مثال‌هایی برای انواع متمم:

مثال ۱: رستم از جادوی زال تندرست گشت.

گروه اسمی «جادوی زال» متمم اسم است و اسمی که در این جمله نیاز به متمم دارد، مسند جمله یعنی «تندرست» است.

بنابراین، این گروه اسمی مسند است که نیاز متمم دارد تا معنایش کامل شود. همچنین باید توجه داشت که گروه

اسمی «جادوی زال» متمم فعل نیست زیرا فعل این جمله «گشت»، اسنادی است و به مسند نیاز دارد نه به متمم (جمله‌ی سه

جزئی با مسند می‌سازد.) در نتیجه این جمله نمی‌تواند یک جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند باشد.

نظیر این نقش را در زبان عربی نیز می‌توان دید. در زبان عربی علاوه بر فعل‌های متعدی، شبه فعل‌هایی که از مصادر متعدی

مشق شده باشند نیز می‌توانند مفعول بگیرند، به مثال زیر توجه می‌کنیم:

«إني جاعلٌ في الارضِ خليفةً» «خليفةً» در این عبارت منصوب است و مفعول به، هیچ فعلی در این عبارت دیده نمی‌شود که

بخواهد مفعول بگیرد و عامل نصب این کلمه، شبه فعل جاعل است که اسم فاعل است و مفعول گرفته. البته شبه فعل‌ها

می‌توانند فاعل، نائب فاعل و ... نیز بگیرند.

مثال ۲: این آشنایی با علمای مختلف نام و آوازه‌ی او را بلند می‌کرد.

گروه اسمی «این آشنایی» که در جایگاه نهاد قرار گرفته است، متمم اسم گرفته.

اسم‌هایی که متمم می‌گیرند همانند فعل‌های متمم‌پذیر یک حرف اضافه‌ی مخصوص به خود دارند. آگاهی: از / حکومت: بر /

ابلاغ: به / مخالفت: با و...

نکته: گروه اسمی‌ای که متمم اسم می‌گیرد، می‌تواند در جمله نقش‌های متفاوتی بپذیرد که در این جا به اهم آن‌ها اشاره

می‌کنیم:

• متمم نهاد: مبارزه با اعتیاد سرلوحه‌ی کار دولت است.

• متمم مفعول: وابستگی به بیگانگان را نمی‌پسندم.

• متمم متمم: مطلب را به عده‌ای از دوستانم گفتم.

• متمم مسند: لحن مجمل التواریخ خالی از تحسین و تمجید نیست.

• متمم مضاف‌الیه: مسأله‌ی هماهنگی با اعضای اصلی شرکت، در اولویت است.

• متمم صوت (شبه جمله): برخی از شبه جمله‌ها نیز متمم می‌گیرند و معنایشان با آن کامل می‌شود. در این جا نیز یک

حرف اضافه عامل پیوند میان شبه جمله و متمم است:

افسوس بر عمر از دست رفته

آفرین بر شما

فریاد از این همه بی‌عدالتی

علاوه بر مواردی که برشمردیم، صفت و قید نیز برای تکمیل معنا به متمم نیاز دارند این متمم نیز به فعل وابسته نیست و جزء اجزای اصلی جمله محسوب نمی‌شود:

ثری زیباتر از تاریخ بیهقی سراغ دارید؟

انسان عاری از تعهد، یقیناً بی‌مسئولیت است .

قیدها نیز گاهی به متمم نیاز دارند به ویژه هنگامی که از نوع قید تفضیلی باشند:

دوستم آهسته‌تر از ما می‌آمد.

مغول‌ها پس از فتح ایران با تمدنی وسیع و پیشرفته رو به رو شدند.